

وظایف دولت در طراحی شهری با توجه به نظریه توسعه انسانی آمارتیا سن

یاسر روستایی حسین آبادی - گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
علی اکبر گرجی ازندریانی* - گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

According to the theory of human development in urban planning administration tasks
Amartya Sen

Abstract

The opinions expressed in the knowledge economy, human development the final ring of the vote, its realization depends on the development in four dimensions: political, cultural, economic and social will be at the same time. Amartya Sen, the renowned economist Hindi is the most important promoters of this theory, believes that to achieve development in all these dimensions, freedom means must be secured. One of them is freedom of access to social opportunities. This freedom is unmatched and very important role in the realization of human development. One of the most important factors in access to social opportunities, their proportionate distribution that deal with urban design is complete. The state as the first responsible for the implementation of urban development process is responsible for living spaces and distribution facilities are designed in such a way that no citizen because of difficulty of access, deprived of social opportunities.

Key words: human development, urban design, Amartya Sen, social opportunities

چکیده

توسعه انسانی حلقه پایانی زنجیره نظریات ابراز شده در دانش اقتصاد توسعه است که بنابر رای بنیادگذارانش، تحقق آن منوط بر تحقق توسعه در چهار بعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بطور همزمان خواهد بود. آمارتیا سن، اقتصاد دان نامدار هندی که از مهمترین مروجان این نظریه است، معتقد است که برای تحقق توسعه در تمامی این ابعاد، آزادی ابزاری باید تامین و تضمین شوند. یکی از آنها آزادی دسترسی به فرصتهای اجتماعی است. این آزادی نقش بی بدیل و بسیار مهمی در تحقق توسعه انسانی دارد. یکی از عوامل مهم در دسترسی به فرصتهای اجتماعی، پراکندگی متناسب آنهاست که با مقوله طراحی شهری نسبت تام و تمام دارد. دولت بمثابه نخستین مسئول تحقق فرآیند توسعه موظف است که فضاهای زیست شهری و پراکندگی امکانات را بنحوی طراحی نماید که هیچ شهروندی بجهت صعوبت دسترسی، از فرصتهای اجتماعی محروم نشود.
واژگان کلیدی: توسعه انسانی، طراحی شهری، آمارتیا سن، فرصت های اجتماعی

مقدمه

است. نمی‌توان دم از کرامت انسان زد و درعین حال او را اسباب و ابزار مطامع کرد. پس هر برداشتی از توسعه و هر برنامه‌ای برای آن لزوماً با کرامت انسانی سازگار نیست. این تجربه را بشر به بهای گزاف اندوخته است. توسعه‌ای که به معنای واقعی انسان را کرامت‌مند بداند و با توجه به این اصل حرکت نماید، «توسعه انسانی» خوانده شده است. توسعه‌ای که در آن هدف نه صرفاً افزایش دارایی انسان، بلکه ارتقا کیفیت زندگی او به‌طور جامع را هدف قرار می‌دهد.

از سویی دیگر زندگی انسان امروزی چنان بافته در ترتیبات اجتماعی است که تصور حیات کاملاً مستقل او، دور از منطق به نظر می‌رسد. در جهان کنونی نقش نهادهای اجتماعی، اعم از دولتی و غیر آن و ملی یا بین‌المللی، به حدی است که در اعماق ذهن و خلوت‌ترین گوشه‌های حیات آدمی نیز اثرش دیده می‌شود. هر تغییری در زندگی انسان، با احتمال نزدیک به یقین، نیازمند همراهی این نهادهاست. توسعه انسانی نیز از این قاعده مستثنا نیست و نمی‌توان برنامه‌ی موفق توسعه‌ای را تصور کرد الا اینکه نقش ترتیبات اجتماعی در آن منظور شده باشد. از این مقدمات میتوان دریافت که بررسی نقش دولت در تحقق توسعه انسانی امری واجد اهمیت و ضرورت است. این مقاله به واکاوی یکی از الزامات بسیار مهم دولت در راستای توسعه انسانی، یعنی فراهم آوردن فرصتهای اجتماعی، اختصاص دارد و به این پرسش پاسخ خواهد گفت که دولت در طراحی‌های شهری موظف است چه ملاحظاتی را برای تحقق توسعه انسانی در نظر بگیرد؟ از آنجا که قرائت‌های متفاوتی از نظریه توسعه انسانی ارائه شده است، لاجرم باید یکی از این میان‌انتخاب شود که با توجه به نقش و نفوذ علمی آمارتیا سن، قرائت او مورد توجه قرار گرفت هاست. این نوشته در ۷ بخش تنظیم شده است. بدین ترتیب پس از مقدمه، در قسمت دوم به تعریف توسعه پرداخته خواهد شد. در قسمت سوم مفهوم توسعه انسانی

کمال طلبی در ذات نوع بشر بوده است. اندیشه پیشرفت و جستجوی راه‌های تحقق آن، قدمتی طولانی در ذهن و ضمیر انسان دارد و در سراسر تاریخ حیات بشری، بنی‌آدم همیشه در تلاش بوده تا با بسط قدرت و بهبود ابزارهای خویش، تسلطش بر خود و طبیعت را گسترش دهد و از امکاناتش استفاده‌ای بهتر و کارآمدتر نماید. این خواسته پس از انقلاب صنعتی و پیامدهای شگرف آن صورتی نو به خود گرفته و شکل یک ضرورت یافت، به‌نحوی که به‌عنوان موضوعی محوری در کانون دغدغه‌های اندیشمندان قرار گرفته است. توسعه، نامی کلی و عام برای هر قدم در مسیر فوق‌الذکر است و امروزه بشر دریافته است که چنین قدمی برداشته نمی‌شود الا با برنامه‌ریزی. پس توسعه محقق نمی‌شود مگر اینکه انسان با تأمل و قصد پیشین در مسیری درست و رو به‌پیش حرکت نماید. این امر در کلام آسان است و در عمل دشوار. برنامه‌های متعدد و مختلف از نظرگاه‌های گوناگون آزموده شده‌اند و حاصل نه‌تنها در مواردی آنچه انتظار می‌رفته نبوده، بلکه گاهی اثر معکوس داشته و بر رنج‌ها اضافه کرده است؛ از قضا سرکنگبین صفرافزود

روغن بادام خشکی می‌نمود

به همین جهت هر مطالعه‌ای در باب توسعه، تلاشی در مسیر یافتن راهی به‌سوی آمال برآورده نشده و آرزویی‌های ناکام انسان است.

اندیشمندان فلسفه و حقوق، بر هر نیاز، اشتیاق یا ضرورتی که ربطی وثیق با زندگی کرامت‌مند انسانی داشته باشد، نام «حق» نهاده‌اند. از این‌روست که بسیاری از آنان توسعه را، نیازی شایسته‌ی پذیرا شدن عنوان حق، می‌دانند. این نظر در ادبیات حقوق بین‌الملل بیش از ۳۰ سال است که جایگاهی رفیع و مخالفانی قلیل دارد. اما همین ارتباط توسعه با کرامت انسان، خود سبب‌ساز مباحثی سرنوشت ساز است. صاحب کرامت دانستن انسان به معنای در مرکز توجه دیدن او و هدف و غایت پنداشتندش



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۱۳۲



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۱۳۳

نابرابری اولیه توزیع درآمدها- بنا بر نظریه رخنه به پایین -، توزیع درآمدها نه تنها عادلانه تر نشد، بلکه شکل نا عادلانه تری گرفت» (عربی، ۱۳۸۳، ص ۳۳). به عنوان مثال یافته های مطالعات اقتصادی بنام آلبرت فیشلو نشان می دهد که در این دوران بر اساس مطالعات آماری، گرچه رشد اقتصادی قابل ملاحظه ای در برزیل وجود داشته است، توزیع درآمد در آن کشور نابرابرتر از قبل و موقعیت برخی گروه های کم درآمد به نسبت گذشته بدتر شده بود (کانث، ۱۳۷۴). به همین جهت گاه از دهه ۱۹۶۰، به عنوان دهه ناامیدی از توسعه نیز یاد می کنند، زیرا نتایج حاصل از تلاش های گذشته چیزی جز ناامیدی بیار نیورده بود. در چنین شرایط و فضایی، مک نامارا رئیس بانک جهانی در خطابه سالانه اجلاس هیات فرمانداران، نگرانی خود را از وضعیت مذکور اعلام داشته و تصریح کرد: در دهه ۱۹۷۰، باید از اقدامات ناپخته معطوف به رشد اقتصادی فراتر رفت (زاکس، ۱۳۷۷، ص ۴۱). در این مقطع برای اقتصاددانان توسعه روشن شده بود که به غیر از متغیرهای کمی، عوامل دیگری نیز بر فرآیند رفع فقر و توسعه اقتصادی مؤثرند. «مطالعات تجربی نشان داده اند که حتی بعد از محاسبه ی سرمایه انسانی و پیشرفت تکنولوژی، سهم قابل توجه متغیر بازدهی کل عوامل برای توضیح دادن باقی می ماند» (میرآخور و عسگری، ۱۳۹۴، ص ۷۹). در واقع در این برهه از تاریخ نوعی آگاهی حاصل از تجربیات گذشته حاصل شد که برخلاف رشد اقتصادی، توسعه، مفهومی کیفی است که به معنای گسترش و بهبود به کاررفته و ترکیبی از فرآیندی کمی و کیفی است. به طور بسیار کلی می توان توسعه را فرآیندی دانست که در آن یک رشته تحولات و تغییرات بنیادین در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می پیوندد که سبب ارتقا سطح کیفی شهروندان آن می شود. بنابراین دومین دهه توسعه مسائل جدیدی را مورد توجه قرار داد که عبارت بودند از مشارکت

معرفی خواهد گردید. قسمت چهارم به رای آمارتیا سن در باب توسعه انسانی اختصاص دارد و در همین مسیر قسمت پنجم به اهمیت فرصت های اجتماعی در نظریه او اختصاص خواهد یافت. در قسمت ششم تاثیر طراحی شهری بر دسترسی به این فرصتها بررسی می شود و نهایتاً در بخش هفتم با توجه به بخشهای قبل وظایف دولت در طراحی شهری با توجه به توسعه انسانی مورد نتیجه گیری خواهد بود.

توسعه

برای نظریه پردازان اولیه اقتصاد توسعه بعد از جنگ جهانی دوم، توسعه صرفاً به معنای رشد تولید ناخالص ملی، صنعتی شدن و افزایش درآمد سرانه در مناطق اقتصادی کم تر توسعه یافته بود. پائول رودان یکی از اولین اقتصاددانانی بود که گسترش صنعت و نیز تولید بالاتر در بخش کشاورزی و همچنین بهره وری در حال افزایش با آن را ابزاری برای رشد سریع معرفی کرد (Rodan, ۱۹۴۳, ۲۰۸). از این منظر رشد اقتصادی، مفهومی کمی است که عبارت است از، افزایش تولید در یک سال خاص در مقایسه ی آن، با مقدار تولید در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی در سال مورد نظر به نسبت آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب میشود. برای دستیابی به عدد رشد واقعی باید تغییر قیمت ناشی از تورم، استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه های را نیز از آن کسر کرد (قنبری، ۱۳۹۱، ص ۸۴). بنابر این رای، اگر رشد اقتصادی محقق شود، بی تردید توسعه نیز از راه خواهد رسید.

در دهه ۱۹۶۰ و با گذشت بیش از یک دهه از آغاز برنامه های توسعه ی پس از جنگ و با پیشرفت تحقیقات علمی، نتایج ناخوشایند این برنامه ها به تدریج روشن شد و آشکار گردید که در تشخیص مشکل توسعه نیافتگی کشورها و یافتن راه حل برای آن، اشتباهاتی صورت گرفته است. «برخلاف وعده های نخستین در مورد کاهش تدریجی

عاملان توسعه و هم به‌عنوان نافعان اصلی آن، بر بهبود کیفیت زندگی افراد یک جامعه و همچنین کیفیت زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن و آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت اهمیت پیدا می‌کند» (کارنی، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

توسعه انسانی رویکردی باهدف بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها، ارتقای قابلیت آن‌ها در همه حیطه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در حال آینده و تلاش در جهت همگام‌سازی رشد و برابری است. هرچند عواملی چون افزایش درآمد و گسترش اشتغال ضروری است اما نباید هدف غایی و نهایی شمرده شود. «هدف توسعه پرورش قابلیت‌های انسانی و گسترش امکان‌های اوست. درآمد تنها یکی از این امکان‌ها و البته امکان ضروری است اما زندگی انسان در مجموع چیز دیگری است» (شیرزادی، ۱۳۹۳، ص ۸۶). در مورد نقش لازم اما نه کافی درآمد وی از مثال روشنگری استفاده می‌کند. یک پسر بچه ۱۲ ساله که علاقه مند است تحصیلات دبیرستان را پیگیری نماید و پزشک شود ممکن است این آرزو را به خاطر اجبار به کار کرده برای تأمین هزینه درمان خود یا عضوی از اعضای خانواده اش از دست بدهد. این کودک مجبور نبود از آرزوی خود بگذرد اگر خدمات درمانی عمومی کافی برای خانواده اش در دسترس بود. درعین حال دختری ۱۲ ساله را می‌توان در نظر گرفت که آرزو دارد وکیل شود و هرچند امکانات خانوادگی اش خوب است اما از نظر فرهنگی آن‌ها مناسب نمی‌بینند که او خارج از خانه کار کند. این دختر نیز از رسیدن به آنچه برایش ارزشمند است محروم می‌شود اما نه به جهت فقر مادی. این مثال نشان می‌دهد که توجه به انسان و گفتن اینکه او اهمیت اول رادارند به معنای بی‌اهمیتی درآمد نیست.

بطور کلی می‌توان گفت که فرآیند توسعه انسانی اعمال سیاست‌هایی است که از طریق آن‌ها مردم

محیط‌زیست، جمعیت، گرسنگی، زنان و اشتغال. در سال ۱۹۷۶ میلادی، برآوردن نیازهای اساسی جمعیت هر یک از کشورها، اولین و مهم‌ترین بخش برنامه عمل کنفرانس سه‌گانه‌ی جهانی درباره اشتغال، توزیع درآمد و پیشرفت اجتماعی و تقسیم‌کار بین‌المللی را تشکیل می‌داد. در این سال مدیرکل سازمان بین‌المللی کار در گزارش به کنفرانس فوق‌الذکر پیشنهاد کرد که، تمام کشورها تا سال ۲۰۰۰ میلادی برای تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه اولویت قائل شوند. تأمین حداقل مواد مصرفی که برای داشتن افرادی سالم ضروری است؛ تأمین استانداردهای حداقل برای دستیابی به خدمات عمومی؛ دسترسی فقرا به فرصت‌های شغلی تا قدرت بر کسب حداقل درآمد مطلوب پیدا کنند؛ و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی و معاش انسان را متأثر می‌سازد، از جمله این نیازهاست (Boni and Walker, ۲۰۱۳, ۱۸۸).

توسعه انسانی

در مسیر تحولات مفهوم توسعه و توجه به وجوه غیراقتصادی برای تحقق آن، در دهه ۱۹۸۰ از طرف اساتید «موسسه توسعه» دانشگاه ساسکس بریتانیا این پرسش مطرح شد که «آیا انسان‌ها صرفاً ابزار توسعه‌اند و یا هدف توسعه نیز می‌باشند؟» به نظر نگارنده این سؤال تحت تأثیر نظریه «انسان فراموش‌شده» داگلاس و نی مطرح‌شده است. بر مبنای این نظریه همه مدل‌های رشد و توسعه بعد از جنگ جهانی دوم، انسان را به‌عنوان نیروی کار، سرمایه انسانی و عامل تولید دیده‌اند و آنچه گم‌شده است در نظر گرفتن انسان به‌عنوان غایت فرآیند توسعه است (میرآخور و عسگری، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵). در پاسخ به این پرسش، بازتعریفی از توسعه صورت گرفت که با بررسی این مفهوم از دیدگاه درونی، انسان را هم وسیله و هم هدف توسعه معرفی کرد. بجهت این تأکید بر جایگاه انسان، نظریه جدید توسعه انسانی خوانده شد. «در رویکرد تازه به توسعه، با تأکید بر عاملان انسانی، هم به‌عنوان





فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۱۳۵

یا افزایش درآمد و تولید بوده و به فضایی اشاره دارد که در آن انسان این امکان را داشته باشد که قابلیت های بالقوه خود را به فعل برساند و از زندگی پربار و خلاقانه، متناسب با سلیقه و علاقه خود برخوردار باشد. «توسعه انسانی، بسط قدرت انتخاب انسانهاست و برخورداری از زندگی طولانی توام با سلامتی، دسترسی به آموزش و منابع لازم برای بهره مندی از سطح معیشتی مناسب و توانایی مشارکت فعال در جامعه، دامنه انتخاب های انسان را گسترش میدهد» (قنبری، ۱۳۹۱، ص ۳۸). بسط قدرت انتخاب چیزی جز بسط آزادی نیست. پس از نظر سن توسعه به معنای گسترش آزادی های انسانی است. نکته جالب توجه در مورد تئوری سن این است که در آن آزادی هم هدف توسعه است و هم وسیله نیل به آن. پس هم نقشی اساسی در توسعه دارد و هم نقشی ابزاری. «نقش اساسی آزادی مربوط است به اهمیت ذاتی آزادی در غنا بخشیدن به زندگی بشر. آزادی های ذاتی شامل توانمندی های ابتدایی از قبیل توان گریز از گرسنگی، سو تغذیه، بیماری های قابل پیشگیری و مرگ زودرس و هم چنین آزادی های وابسته به باسوادی، مشارکت سیاسی، آزادی بیان بدون سانسور، و جز اینهاست» (سن، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸). نقش ابزاری آزادی برای سن مؤید این معناست که کسب بهزیستی و نیل به آزادی های غایی در جامعه ای میسر است که حداقلی از آزادی ها ابزاری، به مثابه پلی برای عبور از شرایط توسعه نیافتگی به توسعه یافتگی، مهیا باشد. این نقش ابزاری به نحوه تأثیرگذاری حقوق، فرصت ها و امکانات متفاوت بر گسترش آزادی انسان به طور اعم و بر توسعه به طور اخص مربوط است. «تأثیر آزادی به عنوان یک ابزار در این راز نهفته است که انواع متفاوت آزادی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند یک نوع آزادی ممکن است کمک فراوانی به ارتقای نوع دیگری از آزادی برساند. این دو نقش با ارتباط عملی به یکدیگر مربوط اند» (سن، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). در واقع مسیر تحقق توسعه انسانی بنظر سن، از فراهم

در کانون توسعه اقتصادی قرار گیرند، توانایی های انسانی برحسب بهداشت، آموزش، مهارت ها و دسترسی منصفانه به فرصت ها بهبود یابد، به عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به نسبت عامل اقتصادی اهمیت بیشتری داده شود و نهایتاً درآمد جامعه به نحوی افزایش یابد که زندگی مردم به طور کلی غنی شود. با توجه به نظریات متفکران مهم توسعه انسانی چهار دسته کلی از شاخص هایی مورد توجه در این نوع توسعه را می توان ارائه نمود:

- ۱- شاخص های اقتصادی توسعه انسانی
- ۲- شاخص های اجتماعی توسعه انسانی
- ۳- شاخص های فرهنگی توسعه انسانی
- ۴- شاخص های سیاسی توسعه انسانی

این متفکران بخشی از شاخص توسعه انسانی را به عنوان ابزار کمی تهیه گزارش توسعه انسانی برنامه ی توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ پیشنهاد کردند. «این شاخص شامل سه متغیر است: ۱. سرانه ی تولید ناخالص داخلی محاسبه شده بر مبنای نرخ قدرت خرید واقعی ارز، ۲. نرخ سوا و ۳. امید به زندگی در بدو تولد» (میرآخور و عسگری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲).

هرچند میتوان گفت در مورد شاخص های توسعه انسانی میان متفکران این مکتب اجماع نسبی وجود دارد، اما در نحوه تحقق آنها این هم آوایی رو به کاهش میگذارد. در این نوشته صرفاً به راهکار توصیه شده توسط آمارتیا سن توجه می شود.

روش تحقق توسعه انسانی از منظر آمارتیا سن آمارتیا کومار سن در زمره پدران بنیادگذار تئوری توسعه انسانی شمرده میشود. این فیلسوف و اقتصاد دان هندی برنده جایزه نوبل اقتصاد ۱۹۹۸ شده است. سن برای توسعه یک هدف عام تعیین میکند و آن ارتقای کیفیت حیات انسان، بهزیستی او و به تعبیر برنامه توسعه انسانی سازمان ملل متحد ارتقای امکان زندگی ارزشمند است. سن کلید این ارتقای کیفیت را در توانمند سازی انسان میداند. توسعه انسانی برای او واقعیتی فراتر از کاهش

درمانی، آموزش، تأمین اجتماعی و غیره مستقیماً به افزایش کیفیت زندگی و شکوفایی می انجامد» (سن، ۱۳۹۴، ص ۲۶۹). پس این فرصت‌ها از نظر سن شامل مجموعه اقدامات و تدارکاتی است که دولت در جهت فراهم آوردن اموری چون آموزش و بهداشت عمومی و سایر امکانات اساسی جمعی برای شهروندانش بکار می‌بندد. فرصت‌های اجتماعی و توانایی‌های ناشی از آن که تا سهم زیادی منجر به توسعه اجتماعی و فرهنگی می‌شوند، بر سایر ابعاد توسعه تأثیر می‌گذارد. «آموزش‌های پایه و بهداشت و درمان بهتر، نه تنها مستقیماً کیفیت زندگی را ارتقا می‌بخشند، بلکه هم‌چنین موجب افزایش توان افراد در کسب درآمد و در نتیجه رهایی آن‌ها از فقر درآمدی نیز می‌شوند. هر چه گستره پوش آموزش‌های پایه‌ای و بهداشت و درمان گسترده‌تر باشد، احتمال اینکه فقرای بالقوه نیز شانس غلبه بر فقر را کسب کنند بیشتر خواهد بود» (سن، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹). علاوه بر تأثیر بر کاهش فقر و باز توزیع درآمد، این فرصت‌ها بر بالا بردن مشارکت در تعیین سرنوشت نیز تأثیر دارند. در یک نمونه‌ی آشنا، بی‌سوادی می‌تواند از یکسو مانع مهمی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی باشد که مستلزم استفاده از روش‌های علمی در تولید و کنترل کیفیت باشد و از سوی دیگر بجهت ناتوانی از خواندن روزنامه و برقراری ارتباط نوشتاری با فعالان سیاسی، مانع مشارکت سیاسی باشد. «این تسهیلات (فرصت‌های اجتماعی) نه تنها برای هدایت زندگی شخص (مانند سلامتی، اجتناب از رنجوری و افسردگی و مرگ زودرس) بلکه هم‌چنین برای مشارکت مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی نیز اهمیت فراوانی دارند» (سن، ۱۳۸۵، ص ۵۵). کمبود این فرصت‌ها در جهان پدیده‌ای بسیار رایج است. بنا بر گزارش‌های صندوق ملل متحد برای کودکان (یونیسف)، هر ساله حدود ۲/۹ میلیون کودک در نتیجه‌ی عواملی که ماهیتاً قابل‌پیشگیری می‌باشند، پیش از رسیدن به ۵ سالگی می‌میرند؛ ۱۰۱ میلیون کودک (که

آوردن و تضمین آزادی‌های ابزاری عبور میکند. وی پنج آزادی ابزاری را معرفی می‌نماید. آزادی‌های سیاسی، آزادی دسترسی به تسهیلات اقتصادی، آزادی دسترسی به فرصت‌های اجتماعی، تضمین وضوح و شفافیت و آزادی برخورداری از نظام حمایتی. هر یک از این انواع متمایز آزادی‌ها به پیشبرد قابلیت‌های عمومی افراد کمک می‌رسانند و هر چند هر یک نقش اصلی در تحقق یکی از ابعاد توسعه انسانی را ایفا می‌کنند اما از آنجا که بسیار بهم مربوطند، ممکن است که بطور فرعی در جوانب دیگر نیز تأثیرگذار باشند. بعنوان نمونه آزادی‌های سیاسی در شکل آزادی بیان و انتخابات گرچه در مقام نخست تأمین‌کننده‌ی توسعه سیاسی است اما بطور فرعی به ترویج امنیت اقتصادی کمک می‌کند. بیشتر موانع نامنی اقتصادی را می‌توان به فقدان حقوق و آزادی‌های سیاسی نسبت داد. همین‌طور فرصت‌های اجتماعی در شکل تسهیلات آموزشی و بهداشتی که بار توسعه اجتماعی را بر دوش دارند اما در کنار آن مشارکت اقتصادی را نیز تسهیل می‌کنند و بطور متقابل تسهیلات اقتصادی نیز در شکل فرصت‌های مشارکت در تجارت و تولید می‌تواند به ایجاد و فور امکانات شخصی و نیز تولید منابع عمومی برای تسهیلات اجتماعی یاری رسانند. بدین نحو انواع مختلف آزادی می‌توانند به تقویت یکدیگر بینجامند. فرآیند توسعه قویا تحت تأثیر این ارتباط قرار دارد. شکوفاسازی قابلیت‌های انسانی و حصول آزادی‌های اساسی، از طریق ترویج این آزادی‌های اساسی میسر می‌شوند. در این قسمت و با توجه به هدف این نوشته، آزادی دسترسی به فرصت‌های اجتماعی بررسی خواهد شد.

آزادی دسترسی به فرصت‌های اجتماعی

فرصت‌های اجتماعی اشاره به عواملی دارد که بر توانایی افراد برای بهتر زندگی کردن تأثیر می‌گذارد. «خلق فرصت‌های اجتماعی کمک مستقیم به گسترش توانمندی انسان و بهبود کیفیت زندگی اوست. گسترش خدمات بهداشتی و





فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۱۳۷

مقاطع اولیه و ابتدایی نشان می‌دهد که تقسیم متناسب امکانات شهری در همه مناطق و جلوگیری از سفرهای طولانی و پرخطر درون‌شهری توسط کودکان برای دسترسی به مدارس و مراکز آموزشی، نقش مهمی در کاهش آسیب‌های فرآیند آموزش دارد و محرومیت‌های کودکان را از آموزش کاهش می‌دهد (جابری مقدم، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد دسترسی‌های محیطی به امکانات آموزشی مناسب به‌ویژه برای دختران، از ضرورت‌های توسعه فرهنگی و غلبه بر موانع برابری جنسیتی باشد، موضوعی که مورد تأکید همیشگی سن بوده است، «گستره وسیع نقش آفرینی زنان یکی از موضوعات فراموش‌شده مطالعات توسعه و نیازمند تصحیح فوری است» (سن، ۱۳۹۴، ص ۳۳۶).

عدم دسترسی آسان و بدون هزینه به مدارس یکی از علل شیوع کار کودکان است. بر اساس گزارش بانک جهانی، ۹۰٪ کار کودکان در کشورهای توسعه‌نیافته‌ی آفریقا و آسیا صورت می‌گیرد و یکی از علل این امر عدم توانایی والدین در تأمین مالی تحصیل کودکان است (Siddiqi and Patrinos, ۲۰۱۰).

یکی از ویژگی‌های متمایزکننده نظریه توسعه انسانی سن و رویکرد توانمندسازی او، تأکید بر اهمیت حرکت در مسیر فرآیند ارتقای سلامت است. سن معتقد است که سلامتی یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های زندگی انسان است و به نحو بسیار تأثیرگذاری سازنده‌ی قابلیت‌هایی است که برای او ارزشمند است. این رویکرد سن در موافقت با رویکردی است که معتقد است انسان هر چه سالم‌تر باشد، مرفه‌تر خواهد بود. هرچند سن معتقد است سلامت ارزش ذاتی دارد، اما درعین حال بر ارزش ابزاری سلامت که بر دستیابی به بسیاری کارکردها همچون، رشد اقتصادی، دستاوردهای تحصیلی، فرصت‌های شغلی، توانایی کسب درآمد و توسعه قابلیت‌های شناختی تأثیری اساسی دارد نیز تأکید می‌کند. به نظر او سلامت از جهت روانی نیز در حس کرامت، امنیت و

عمدتاً دختر هستند) از تحصیلات ابتدایی محروم می‌باشند؛ حدود ۱۴۸ میلیون کودک زیر ۵ سال در کشورهای درحال توسعه، از سوءتغذیه رنج می‌برند؛ روزانه ۴/۵۰۰ کودک در نتیجه‌ی نوشیدن آب ناسالم تلف‌شده و حدود ۱۵۸ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ سال به کار اجباری مشغول‌اند (ضیافتی، ۱۳۹۴). خلق این امکانات از مسئولیت‌های اساسی دولت است. «دولت توسعه‌گرای انسانی فرصت‌های اجتماعی برابر برای تمامی شهروندان را فراهم می‌آورد» (رهامی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱). هر کشوری حتی با درآمد کم، اگر خدمات بهداشتی و درمانی و آموزشی را برای همه فراهم سازد، می‌تواند به نتایج چشمگیری در افزایش طول عمر و بهبود کیفیت زندگی برای جمعیت خویش نائل شود.

پیش از فراهم آوردن هرگونه امکانات و فرصت اجتماعی، باید به این مسئله توجه کرد که آیا افراد به نحو برابر و عادلانه امکان دسترسی به این امکانات را دارند یا خیر؟ پاسخ در اغلب کشورهای درحال توسعه منفی به نظر می‌رسد و حل آن از معضلات و ضرورت‌های توسعه انسانی از نظر سن است. «به تعبیر سن ایجاد فرصت‌های برابر جهت تأمین کالاهای اولیه به معنای فراهم ساختن آزادی‌های اساسی است که افراد با برخورداری از آن‌ها به قابلیت و توانمندهایی دست می‌یابند که قادر به ساختن یک زندگی خوب و دلخواه می‌گردند» (Chiappearo, ۲۰۰۰). تحلیل این نابرابری پیچیده و چند بعدی است. احتمالاً نخستین و قوی‌ترین دلیل، کلیشه‌های جنسیتی است. در کنار آن نباید از عوامل مهم دیگر گذشت. یکی از این عوامل نحوه طراحی فضای زیستی در کشورهای در حال توسعه است که در نحوه‌ی طراحی شهری بروز می‌یابد. **تأثیر طراحی شهری بر دسترسی به فرصت‌های اجتماعی**

نحوه طراحی فضاهای زیستی و به‌ویژه شهری در دسترسی به فرصت‌های اجتماعی مؤثر است. برای نمونه مطالعات در مورد آموزش، به‌ویژه در

ایجاد این فرصتها دارد. حتی میتوان ادعا نمود که برای نظریه توسعه انسانی که آرزومند رفع نابرابری های ناشی از برنامه های توسعه پیشین است، توزیع غیرعادلانه ی فرصت های اجتماعی نقض غرض شمرده می شود.

طراحی شهری یکی از ابزار های بسیار موثر در توزیع متناسب و عادلانه فرصت های اجتماعی است. دولت موظف است با بهره گیری از دانش طراحی شهری، فرصت های اجتماعی و بویژه، آموزش، بهداشت و فرهنگ را به شیوه ای هوشمند در اختیار شهروندان قرار دهد تا دسترسی همه به این فرصتها تامین شود. توجه به وضعیت افراد شامل جنس، سن و توانایی جسمی، از عوامل مهم یک طراحی موفق شهری در راستای تحقق توسعه انسانی است.

منابع و ماخذ

۱. جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۶) شهر و مدرنیته، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. رهامی، روح الله (۱۳۹۳) امنیت انسانی و دولت، تهران، نشر میزان
۳. زاكس، ولفگانگ (۱۳۷۷) نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه: فرهی، فریده، تهران، نشر مرکز
۴. سن، آمارتیا (۱۳۹۳) فرهنگ، هنر و توسعه، ترجمه: فرهادی، کاظم، تهران، نشر چشمه
۵. سن، آمارتیا (۱۳۹۴) توسعه یعنی آزادی، ترجمه: نوری نائینی، محمد سعید، تهران، نشر نی
۶. سن، آمارتیا (۱۳۸۳) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه: محمودی، وحید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. شیرزادی (۱۳۹۳) نوسازی، توسعه، جهانی شدن (بازنگری ۲)؛ تهران، نشر آگه
۸. ضیافتی، زهرا (۱۳۹۴) بررسی نقش سازمان های بین المللی غیردولتی در حمایت از اقشار آسیب پذیر در پرتو دکترین امنیت انسانی، پایان نامه ارائه شده در مرکز تحصیلات تکمیلی پیام نور تهران
۹. عربی، سید هادی و لشکری، علیرضا (۱۳۸۳) توسعه در آینه تحولات، تهران، انتشارات سمت

قدرت مؤثر است (Sen, 2002, 660). امروزه سلامت و توسعه سیستم بهداشتی از چالش های مشترک کشورهای در توسعه است. دسترسی محیطی مناسب به امکانات بهداشتی (از قبیل منابع آب سالم و امکانات استحمام و سیستم دفع فضولات انسانی) و درمانی (از قبیل مراکز درمانی در سطوح مختلف) از طریق طراحی شهری مناسب، از عوامل سرنوشت ساز در تامین سلامت است.

مسئله ی فرهنگ و ارزش برای سن ارزش بالایی دارد. وی در سه سخنرانی که در سال ۲۰۰۰ در نشست بانک جهانی برای توسعه، در سال ۲۰۰۲ در مرکز پردی در دانشگاه بوستون و باز در همان سال در دانشگاه بمبئی ارائه داد بر این ارزش تأکید ورزید. به زعم وی اگر توسعه به عنوان رشد تولید ناخالص ملی در نظر گرفته نشود بلکه در وسعتی فراخ تر به مثابه آزادی و رفاه مردم تلقی شود، در آن صورت موضوعات فرهنگی می توانند در زمره ی اهداف توسعه و نیز در زمره ی وسایل آن مطرح شوند. به ویژه اینکه توجه به تأثیر فرهنگ بر توسعه اجتماعی و اقتصادی اثبات شده است. فراهم آوردن درکی روشن از گذشته تاریخی یک ملت، مثلاً با حمایت از حفاری های تاریخی، می تواند به جبران برخی از تأثیرات بازدارنده ی تعبیرهای کوتاه بینانه از گذشته کمک کند (سن، ۱۳۹۳).

دولت می تواند ابزارهای متعددی را برای استفاده در عرصه فرهنگ مدنظر دهد؛ برای مثال، می تواند با کمک به برپایی نمایشگاه ها و اجرای برنامه های هنری و فرهنگی، در عرصه فرهنگی جامعه مشارکت و حضور فعال تری داشته باشد. در توزیع جغرافیایی امکانات فرهنگی باید به دسترسی عادلانه و نیازهای هر منطقه توجه کارشناسانه داشت. این امر مشارکت متخصصان مطالعات و طراحی شهری را طلب مینماید.

نتیجه گیری و جمع بندی

از مجموع مطالب فوق میتوان اینگونه نتیجه گرفت نحوه ی توزیع فرصت های اجتماعی اهمیتی برابر با



۱۰. قنبری، علی (۱۳۹۱) توسعه اقتصادی و توسعه انسانی، تهران، نشر چالش
۱۱. کارنی، کول (۱۳۷۷) مفهوم توسعه اجتماعی، ترجمه: عنبری، موسی، نشریه رهاورد شماره ۴، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۱۲. کانث، راجانی (۱۳۷۴) الگوهای نظری در اقتصاد توسعه، ترجمه: آزاد، غلامرضا، تهران، نشر دیدار
۱۳. میرآخور، عباس و عسکری، حسین (۱۳۹۴) اسلام و مسیر توسعه اقتصادی و انسانی، ترجمه: باقری دولت آبادی، علی، قم، دانشگاه مفید
14. Boni, Alejandra and Walker, Melanie, (2013) Human Development and Capabilities, London and NY, Routledge Publication
15. Chipappearo matinnrtti enrica (2000), A multi-dimensional assessment of well-being based on sen's functioning approach, Italy
16. Rodan, Paul, (1943) Problems of Industrialization of Eastern and South-Eastern Europe, Economic Journal, Vol.53
17. Sen, Amartya (2002) Human Rights and Asian Values; <https://www.carnegiecouncil.org>



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۱۳۹ ■

